



۲۰۱۸/۱۱/۰۵

م. عارف عباسی

شهادت قهرمان نامور افغانستان قوماندان عبدالرازق!



مرا نیت تازه ساختن غم ملیون ها افغان وطن پرست، ملی گراء، بشر دوست و صلح خواه نیست چه این ضایعه بزرگ ملی فراموش ناشدنی است.

در سفر بودم که پسر مرا از خواب بیدار و با تأثر عمیق خبر قتل قوماندان عبدالرازق این فرزند با شهامت، نامور، غیور، بی هراس، وطن پرست و خدمتگار صدیق صلح و امنیت را به من داد. حالتی که از شنیدن این خیر براریم دست داد کلمات و جملات در تبابین آن عاجز اند مثل این که عزیز ترین عضو خانواده ام را از دست داده باشم سیل اشک از چشمانم جاری و ازضجه خود داری نتوانستم. گریستم و گریستم و پیهم گریستم و دلم به حال وطن سوخت و خود را در شعله های آتش غم بیکران با تالم و اندوه یافتم و هر

دشنام، نفرین، لعنت و ناسزایی که یاد داشتم به مرتکبین این جنایت وحشیانه، بزدلانه، نامردانه و خائنانه این جانیان مزدور پاکستان دشمن سوگند خورده افغانستان فرستادم.

هم وطن! باور داشته باش که این سانحه قلبم را جریحه دار ساخت و آن چه می نویسم نه دروغ است و نه ریا و نه تظاهر و نه بهره برداری سیاسی و مجبوریتی به آن ندارم و همه بر مبنای احساس، وجدان و وطن دوستی و امنیت خواهی ام است.

هراس سوء قصد علیه این فرزند دلیر افغان همیشه نزد من موجود بود و برای حفظ جانش دعا می کردم. تأمین امنیت در ولایات قندهار، هیرمند و ارزگان بسیار خطیر و دشوار است چه شناسایی دوست و دشمن معجزه می خواهد و در هر سه ولایت طالبان حامی، طرفدار و هم رزم و دلسوز دارد و عبدالرازق در چنین جهنمی با سر و زندگی اش بی هراسانه و با شهامت بازی می کرد و چون سد سکندر در برابر دسایس و توطئه های پاکستان با درایت، شجاعت و فراست مبارزه می نمود.

موضوع دیگری که قابل تذکر دانسته می شود این است که در شرایط کنونی افغانستان مقامات نظامی و امنیتی برای تعقیب اهداف مشترک و ایجاد مصونیت برای مردم باید با قوت های ناتو ارتباط مستقیم داشته و همکار باشند و اطلاعات را باهم تبادل نمایند که بدین معنی نیست که قوماندان نظامی و امنیتی افغانستان جاسوس و گماشته امریکا و یا متحدین آن باشد.

در گردن آن هایی که قلاده اسارت امریکا توسط خلیل زاد و قبل از آن آویخته شده به همه معلوم است و این قماش جز جنایت و خیانت خدمتی به افغانستان نکرده اند. عبدالرازق با غرور ملی اش کسی نبود که خود فروخته باشد. من از کشش و گرایش سیاسی اش و این که وابسته حزبی یا شورایی باشد اطلاع نداشتم.

من به عبدالرازق شهامت و وطن دوستی اش وقتی ارادت پیدا کردم که عساکر پاکستانی به بهانه احصائیه گیری در حاشیه سرحد به محلی متعلق به افغانستان تهاجم نمودند، عبدالرازق به ابتکار عمل خود بر آن ها آتش باری نموده عده ای را از بین برد و عساکر پاکستانی را مجبور به ترک محل نمود، چلش کلدار پاکستانی را در قندهار قدغن نموده و به هیچ پاکستانی اجازه ورود به قندهار را بدون پاسپورت نداد او با تدابیر خاصی جلو حملات ناگهانی طالبان و فعالیت های تخریبی شان را گرفت.

شهادت این راد مرد دلیر افغان به حیث یک ضایعه بزرگ ملی قلب ملیون ها افغان را از هر قوم و تبار جریحه دار ساخته همه این سانحه را ماتم و سوگواری ملی دانستند.

هم وطن عزیزم!

به همان پیمان که این ضایعه قلبم شکست و برایم اندوه و تألم بیش از حدی آفرید بالاتر از آن تبصره ناروا، نا جائز و غیر ملی یک رسانه و تجلیل این شهادت و تبریک گفتن آن به قاصد خون و آتش و قاتل هزاران بی گناه افغانستان برایم مایه تعجب، تأثر عمیق و یأس بی حد بود که مسلماً در فقدان احساس وطن پرستی، عواطف بشر دوستی و

ارزش خون ده ها هزار قربانی بی گناه هموطن صورت گرفت و انگیزه آن را جز عامل مادی در چیز دیگر نیافتیم و من هرگز توقع اتخاذ چنین موقفی را از یک افغان با درد و با احساس نداشتم.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که قسمتهای قبلی این مطلب و مطالب دیگر این نویسنده را هم مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



شهادت قهرمان نامور افغانستان قوماندان عبدالرازق!

[A_abasi_shahaadat_commandant_razeq.pdf](#)